روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۰۰ ■ چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۳۸۵ ■ ۹ جمادی الثانی ۱۴۲۷ ■ ۵ جولای ۲۰۰۶

آبادان	+۳۲+۴۱	بیرجند	+۲۸+۴۰	سنندج	+۲۵+۳۱	همدان	+۱۶+۳۱
اراک	+۱۵+۲۸	تهران	+۲۲+۳۱	شهرکرد	+۱۷+۳۲	یاسوج	+۱۷+۳۱
اردبیل	+۱۶+۲۹	تبریز	+۱۴+۲۶	شیراز	+۲۰+۳۸	یزد	+۲۵+۳۸
ارومیه	+۱۶+۳۱	خرم‌آباد	+۱۸+۳۶	قزوین	+۱۵+۲۵	دبی	+۳۰+۴۰
اصفهان	+۱۷+۳۱	رشت	+۲۰+۲۵	کرمان	+۲۱+۳۵	نجف	+۳۱+۴۲
اهواز	+۳۱+۴۲	زاهدان	+۲۶+۳۷	کرمانشاه	+۱۵+۳۱	مکه	+۲۵+۳۷
ایلام	+۲۱+۳۰	زنجان	+۱۱+۲۵	کاشان	+۱۹+۳۵	مدینه	+۲۸+۳۹
بجنورد	+۲۱+۳۰	زابل	+۳۰+۴۱	کیش	+۳۲+۳۷	لندن	+۱۷+۲۶
بندرعباس	+۲۸+۴۰	ساری	+۱۵+۲۷	گرگان	+۲۰+۳۱	پاریس	+۱۹+۳۰
بوشهر	+۳۴+۳۵	سمنان	+۲۱+۲۸	مشهد	+۲۰+۲۸	استانبول	+۲۰+۲۸

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۷ اذان مغرب ۱۹:۴۵ اذان صبح فردا ۳:۰۴

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

قصه‌های جزیره	دو	۹/۰۰
سریال پرستاران (تکرار)	یک	۱۵/۰۰
به خانه برمی گردیم	پنج	۱۶/۳۰
سریال قلب	پنج	۱۹/۰۰
بررسی مطبوعات جهانی	چهار	۲۰/۳۰
یکی بود یکی نبود	دو	۲۱/۰۰
تله‌تئاتر تیغ کهنه	چهار	۲۲/۰۰
سریال نسیم وصل	یک	۲۲/۰۰

سینمای امروز

سوغات فرنگ

شیدا (۷۷۸۱۵۵۷۶)، گلریز ۱ (۸۸۷۱۸۷۱۳) قیام (۶۶۴۰۸۳۲۱)، پایتخت(۸۸۳۱۲۶۳۱)، ماندانا (۷۷۴۱۰۹۸۲)، تهران۱ (۷۷۵۰۴۳۲۹)، جوان (۲۲۲۰۳۰۳۱)، شهر قشنگ(۶۶۴۰۷۷۷۷)، بلوار (۸۸۹۶۵۲۹۲)، قدس (۸۸۹۰۴۵۸۵) ایران ۳ (۷۷۵۳۸۷۱۱)، دهکده المپیک (۴۴۷۱۴۰۸۵)، حافظ (۳۳۹۰۱۰۷۴) پیوند(۳۳۷۰۴۰۴۰)، پارس ۲ (۶۶۹۲۶۹۵۳) جی ۱ (۶۶۶۳۰۹۴۰)، میلاد (۳۳۷۹۸۸۷۳)

شغال

سعدی(۶۶۴۶۸۴۶۱)، اروپا (۳۳۹۱۳۱۷۹) مرکزی ۳ (۶۶۹۲۸۶۸۶)، جی ۲ (۶۶۶۳۰۹۴۰) فرخ (۵۵۳۸۵۲۳۵)

انتخاب

آستارا (۳۳۳۴۱۶۶۸)، مرکزی ۱ (۶۶۹۲۸۶۸۶) جمهوری (۶۶۴۶۵۳۰۷)، کارون (۶۶۸۸۵۰۴۷) کانون (۸۸۷۲۸۲۶۶)

آتش بس

آفریقا (۸۸۹۰۵۱۷۷)، ایران ۱ (۷۷۵۳۸۷۱۱)، آسیا (۶۶۴۰۲۹۰۹)، پارس ۱(۶۶۹۲۶۹۵۳)، پیروزی (۷۷۴۳۴۵۷۰)، گلریز ۲ (۸۸۷۱۸۷۱۳)، عصر جدید۲ (۸۸۹۵۱۵۵۵)، بهمن ۲ (۶۶۴۱۸۸۰۱) سپیده ۱(۶۶۴۱۷۶۷۰)، جوان ۲ (۲۲۲۰۳۰۳۱) المپیا (۶۶۹۲۶۷۹۷)، ناهید (۳۳۳۵۶۸۰۹)، ملت (۳۳۱۲۴۲۱۸)، شقایق (۷۷۸۱۵۵۷۶)

تئاتر روز

- موسیو ابراهیم و گل های قرآن
- سالن چهارسو تئاترشهر ۱۹/۱۵
- همسایه‌ها
- سالن چهارسو تئاترشهر ۱۸
- سلول صفر
- تالار نو تئاترشهر ۱۹/۳۰
- گفت‌وگوی تروریست‌ها
- تالار مولوی ۱۹/۳۰
- از خاک تا افلاک
- سالن اصلی تئاتر شهر ۲۰
- زخمه بر آب
- خانه نمایش اداره تئاتر ۱۸
- عشق پیری
- مجموعه چمران (تئاتر جوان) ۱۹
- سوزنبانان
- تالار مولوی ۱۷/۳۰
- تولیدی عروس خانم
- تئاتر شهر ۱۹/۳۰
- وزیر خان لنکران
- تالار سایه ۲۰/۱۵

تجسمی امروز

- نمایشگاه نقاشی مینا غازیانی
- گالری ماه ۲۲۰۴۵۸۷۹
- نمایشگاه نقاشی گروهی
- گالری گلستان ۲۲۵۴۱۵۸۹
- نمایشگاه هنرهای مفهومی ابوالفضل حسین‌زاده
- نگارخانه ثروت ۸۸۷۹۸۷۰۷

خبر آخر

بزرگ‌ترین فرش جهان

نگاه عکاس

عباس کوثری: بزرگ‌ترین فرش جهان که سفارشی است برای مفروش کردن مسجدی در امارات، در چهار کارگاه در حوالی نیشابور بافته می‌شود. زنان روستایی در دو شیفت کاری گره بر گره می‌افزایند؛ روزها و شب‌ها. ۸/۵ میلیون دلار برای دو میلیارد گره. در حین عکس‌برداری فکر می‌کردم که دقایق عمر این زنان چگونه محاسبه می‌شود.

حالا نوبت کوچک کردن فیل بزرگ است

چهره روز

امیر قادری: دم اسکولاری گرم. او دارد کار خودش را می‌کند. دارد تیم خودش را رهبری می‌کند. روح قهرمانی و سلحشوری را در کالبد بازیگرانش می‌دمد و کاری به آدم‌های کوچک دور و برش ندارد. او می‌داند که این یک بازی است. بازی‌ای که برای لحظه‌ای این فرصت را در اختیارمان می‌گذارد تا یک مبارزه واقعی را با تمام وجود تجربه کنیم. اسکولاری دست‌هایش را بلند می‌کند و داد می‌زند، بازیکنان تیمش را تهییج می‌کند، کاری که اصلاً ساده نیست. و هیچ کاری ندارد به حرف مجری‌های ظاهراً اخلاق‌گرای تلویزیون ما که درباره بداخلاقی‌های صورت گرفته در زمین فوتبال حرف می‌زنند. همان‌هایی که پریشب نشستند جلوی دوربین‌های تلویزیون و گفتند که پرتغال به رهبری اسکولاری، چه بلایی سر بازیکنان هلند آورده است. و این که طرف چقدر بداخلاق و منفعت‌گراست و اینها. یک مربی بزرگ را نه فقط به عنوان رهبر تیم خودمان، که به عنوان رهبر تیم‌های حریف هم نمی‌توانیم بپذیریم. به نام اخلاق، گندزده‌ایم به هر چه احساسات واقعی است. بحث دفاع از بداخلاقی نیست، بحث آدم‌های بزرگی است که قانون بازی را می‌شناسند و با تمام وجود خودشان را در اختیار بازی قرار می‌دهند. آقای رضا جاودانی و همکارش و آن کارشناس داوری که فکر می‌کند تمام مشکلات توی زمین با قانون فیفا حل می‌شود، نمی‌توانند حضور و وجود آقای اسکولاری را بپذیرند. فیل بزرگی که این قدرت را دارد تا قانون خودش را در زمین حاکم کند. بازیکنانش را به سمت جلو هل دهد و جوری توی پشت مهاجم تیمش بزند که جنگجوی مذکور، نفس گرم مربی را در تمام بازی احساس کند. به نام اخلاق و روح جوانمردی و شعارهای سطحی و ظاهرفریب، دل‌مان را خوش کرده‌ایم و حواس‌مان نیست که به عنوان تیم ملی ایران، اگر این گونه در برابر حریف قافیه را باخته‌ایم، به این خاطر است که نتوانسته‌ایم حضور آدم‌های بزرگی مثل اسکولاری را روی نیمکت تحمل کنیم. نتیجه‌اش را هم برایتان می‌گویم که چیست. اتفاقاً قبل از همه چیز، آنهایی قافیه اخلاق و جوانمردی و صداقت را می‌بازند که بیشتر از بقیه اسم این جور چیزها را می‌آورند. جالب است که وقتی تیم ملی و بچه‌های نازنین ما در برابر هیولاهای اسکولاری قرار می‌گیرند، این جای لگد کعبی است که روی صورت فیگو می‌ماند. می‌بینید؟! ماجرا برعکس شده است. تعداد خطاهای بازی ایران و پرتغال را بشمارید. چقدر خطای غیرحرفه‌ای داشتیم و پرتغال چه جوری بازی کرد. این نتیجه همان تلقی سطحی است که از مفهوم اخلاق و بازی جوانمردانه و قدرت قانون داریم. به اسکولاری نیاز داریم تا به قانون قدرت ببخشد و نه برعکس. تا به ما صداقت را یاد بدهد که خطاهای بچگانه (و نه حرفه‌ای) بازیکنان تیم خودمان یادمان نرود. ابتدای همین برنامه‌ای که دوستان مجری‌اش درباره اسکولاری منفعت‌پرست و پرتغال بی‌قانون صحبت می‌کنند، آقایی را آوردند که می‌گفت مراسم قرعه‌کشی را که صبح تا شب دارند نتایج‌اش را توی سرمان می‌کوبند، برای ترویج علم و دانش و «بردن تب فوتبال به سمت مسائل تخصصی» برگزار کرده‌اند! ممنون. چقدر لطف دارند.

کار شان پن با بوش به اعتصاب غذا کشید

خبرساز

بازیگران دموکرات هالیوود که مخالفت‌های خود را نسبت به سیاست‌های آمریکا و به‌ویژه جورج بوش بارها و بارها اعلام کرده بودند این بار می‌خواهند دست به اعتصاب غذا بزنند. در صف مقدم این مخالفان «شان پن» است و در کنار او «سوزان ساراندون» که در اعتراض به حضور سربازان آمریکایی در عراق از دیشب مصادف با جشن ملی استقلال آمریکا اعتصاب غذای خود را آغاز کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه این اعتصاب غذا به سرپرستی «سیندی شیهان» مادر داغدیده آمریکایی و یکی از فعالان برای برقراری صلح در مقابل کاخ سفید کلید خورد. «خروج سربازان آمریکایی از عراق و بازگشت آنها به وطن» خواسته اعتصاب‌کنندگان است. این افراد با شرکت در جشن چهارم جولای روز استقلال آمریکا آخرین وعده غذایی خود را مقابل کاخ سفید خوردند و اعتصاب غذای خود را آغاز کردند.

آمریکایی‌های کم‌خواب

نیکی محجوب: تحقیقات جدید نشان می‌دهد آمریکایی‌ها بسیار بیشتر از آنچه تصور می‌شود، در طول شبانه‌روز می‌خوابند. این تحقیق بر روی ۶۹۹ فرد انجام شده و نشان می‌دهد که افراد شش ساعت و یک دقیقه می‌خوابند در حالی که پیشتر تصور می‌شد آمریکایی‌ها بیش از هفت ساعت و نیم می‌خوابند - به گفته «دیانالو داردل» مردم فکر نمی‌کنند که دچار کم‌خوابی هستند اما آنها بسیار کمتر از چیزی که تصور می‌کنند به خواب می‌روند. براساس این تحقیق زنان سفیدپوست، شش ساعت و هفت دقیقه، مردان سفیدپوست شش ساعت و یک دقیقه، زنان سیاهپوست پنج ساعت و نه دقیقه و مردان سیاهپوست پنج ساعت و یک دقیقه می‌خوابند. عامل کم‌خوابی در میان آمریکایی‌ها به چهار دسته تقسیم شده: کاهش فعالیت روزمره، افزایش توجه به جزئیات، افزایش ریسک رانندگی و مشکلات دارویی.

تهیه‌کننده در زندان

چه خبر

«دالاس آستین» برنده جایزه تهیه‌کنندگی «گرمی» به دلیل حمل مواد مخدر به چهار سال زندان در امارات متحده عربی محکوم شد. آستین موسیقی‌های مایکل جکسون و مدونا را تهیه کرده است. این تهیه‌کننده بیش از یک گرم کوکائین در دبی به همراه داشت که دستگیر شد.

ادعای پرستار براندو

پرستار مارلون براندو از دادگاه خواست تا وی را به عنوان قیم و وصی این بازیگر سرشناس بپذیرد. او در دادگاه ادعا کرد براندو قبل از مرگش توانایی امضای هیچ برگه‌ای را نداشت و به همین دلیل نتوانست وصیتنامه‌اش را اینگونه تنظیم کند. آنجیلا برازیا که با فرزندان و خواهرش در خانه‌ای که براندو در سال ۲۰۰۲ خریده زندگی می‌کند گفت خانه براندو باید فروخته شود و وی قابلیت رسیدگی به اموال این هنرمند بزرگ را دارد.

موزه‌ای به یاد عصر خاتمی

حاشیه سیاست

اکبر منتجبی: بی‌تردید سیدمحمدخاتمی از جمله سیاستمداران صاحب نامی است که همیشه مورد توجه است. این توجه در خارج از کشور ایران نه تنها بیش از داخل است بلکه آمیخته به محبوبیت روزافزون است. در داخل اگر گله و انتقادی وجود دارد که چرا آنجا چنین کرد و اینجا چنان نکرد، در بیرون سنگ تمام گذاشت و قدرت ایران را به رخ کشید و مقامات دیگر کشورها را وادار به احترام کرد تا در مقابل نماینده ایران تمام قد بایستند و به سخنانش گوش دهند و نهایتاً ستایش‌اش کنند. او در ایامی که بعضاً هیچ رسانه‌ای در اختیار نداشت و اخبارش با محدودیت پخش می‌شد و حتی برخی مطبوعات دوم خردادی نیز چاپ موفقیت‌های او را دریغ می‌کردند، بی‌هیچ ادعایی به سفرهایی می‌رفت و دیدارهایی را انجام می‌داد که برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی رخ داده بود. از ژاک شیراک تا فیدل کاسترو در فرودگاه و کاخ الیزه، شخصاً به استقبالش می‌آمدند و «پروتکل» را برای او کنار می‌گذاشتند و صمیمانه مرد فاضلی را در بغل می‌گرفتند و عمیقاً به سخنانش گوش می‌دادند. در داخل این اخبار و استقبال‌ها هیچ انعکاسی پیدا نمی‌کرد. خاتمی حتی برای پرهیز از هزینه‌ها خبرنگاران را نیز با خود همراه نمی‌برد و تنها نماینده یکی دو رسانه چون خبرگزاری جمهوری اسلامی و صدا و سیما را برای انعکاس اخبار با تیم همراه می‌کرد. به دنبال «نام» نبود. به دنبال نام‌آوری ایران بود. و الحق، چنانکه پیدا بود، از هر نشستی و گفت‌وگویی سربلند بیرون می‌آمد. ابراز ارادت دولتمردان جهان به سید ایرانی تمامی نداشت. هر کس به رسم یادبود بر آن بود که قطعه‌ای به «خاتمی» ارزانی دارد. او با لطف و سپاس آنها را دریافت می‌کرد و چون اسلاف خویش در دفتر ریاست‌جمهوری می‌گذاشت و تاکید می‌کرد که این هدایا به او تعلق نگرفته، به «رئیس‌جمهور ایران» تعلق گرفته و باید برای آنها موزه‌ای نیز تدارک دید تا در کنار دیگر هدایا گنجینه‌ای ارزشمند فراهم شود. حتی گفته می‌شد که برخی از هدایای ارزشمندی را که شخصاً به او می‌دادند و فارغ از ریاست جمهوری می‌دانستند، او همچنان آنها را متعلق به خود نمی‌دانست و آن را در کنار آن مجموعه قرار می‌داد. امروز آن هدایا گنجینه‌ای ارزشمند است و از قرار معلوم در مجموعه تاریخی - فرهنگی کاخ سعدآباد قرار دارد و در سوم خردادماه با حضور خود او افتتاح شد. موزه‌ای از تمام هدایای ارزشمند و نفیس. هرکدام یادآور جلسه‌ای است و سفری و حادثه‌ای. بی‌هویت نیستند. گرچه هر کدام برای خود قیمتی قابل توجه یا اندک دارند، اما در کنار آن و در تاروپود آن تاریخ ۸ ساله ایران نهفته است. موزه یادمان ریاست جمهوری خاتمی قرار است پایان تابستان امسال برای عموم بازگشایی شود. بیش از دو هزار هدیه ارزشمند در جای‌جای این موزه قرار دارد که می‌توان در میان آنها از قلب شیشه‌ای اهدا شده از سوی ژیسکاردستن رئیس‌جمهور سابق فرانسه و پرده کعبه اهدایی از سوی ولیعهد عربستان تا انگشتر عقیق شهید حق‌جو که خانواده‌اش به خاتمی اهدا کرده‌اند، یافت. در کنار تمام این هدایا نام‌های بزرگی می‌بینید: فیدل کاسترو، ژیسکاردستن، شیراک، یاسر عرفات، پاپ ژان پل دوم، کوفی‌عنان و... بی‌هیچ تبلیغی، در انتظار بازگشایی آن موزه باشید و به دیدار این آثار بروید.

جام آینه

تصویر جام

سیدجواد یحیوی: اغلب درست از سر سوت گاهی هم حتی بعد از سوت در جریان قرار می‌گیریم یعنی بعد از کامپیوترهایی که درصد تملک توپ، تعداد پاس‌ها و کرنرها و شوت‌های به دروازه و... را برای دو تیم چرتکه می‌اندازد. چه غم! اصلاً کامپیوتر را بشر برای همین ساخته که چوب خط را نگه دارد. همه چیز را که آدم نباید خودش ببیند تا باور کند. تازه تعلیق جذاب قبل از بازی در لحظه‌هایی که تیم محبوبت به زمین می‌آید، گرم می‌کند، می‌ایستد تا سرود ملی‌اش را بشنود با حریف دست می‌دهد و روبوسی می‌کند گل می‌دهد و قلوه می‌گیرد و تماشاچی‌هایی که بازی‌شان قبل از سوت شروع شده و همه این ماجراها که دیدن یک مسابقه فوتبال را آن هم در مرحله نهایی جام جهانی شیرین‌تر می‌کند گویا بیشتر به اهل فن سینما و تلویزیون و بیننده باذوق یک اتفاق بصری مربوط است تا اینکه دخلی به فوتبال دوست جماعت داشته باشد که لابد نه ذوق دارد نه سلیقه و حذف و نادیده گرفتن این همه آن هم به قیمت چرب و آبدار پیام‌های بازرگانی البته که می‌ارزد خطرش هم کمتر است تازه بین دو نیمه هم فرصتی است. چه بهتر اگر بازی به وقت اضافه و پنالتی بکشد که الهی به مراد دلش برسد بازیکنی که بین دو ضربه هم فس فس کند و لفتش دهد. مثلاً به قاعده یک موج مکزیکی میمون‌های چی‌توز. از بخت خوش، ما کشوری نیستیم که امتیاز پخش بازی‌ها را از کشور مرجع، آن هم به تومان خودمان چند میلیارد بخریم و مجبور باشیم جواب صدتا نره قلندر خارجی را به عنوان اسپانسر بدهیم، گویا ما به یک کشور واسطه چه می‌دانم چنددهم اصل قیمت را پرداخته‌ایم که لازم نباشد روی آرم شبکه‌اش را بپوشانیم و از اقتدار فرهنگی، اقتصادی، سیاسی خودمان در زمینه عدم تعهد به قانون کپی‌رایت استفاده کنیم. در ضمن، ای به مزار شریف ابوی بازیکنان و مربیان و تماشاچیان لحظات نفس‌گیر جذاب‌ترین و فراگیرترین و غیره‌ترین ورزش عالم که قلبشان توی دهنشان آمده از هیجان، ما که به جای تصویر عکس‌العمل هایشان (ری اکشن) تصاویر نه چندان قدیمی اما به هر حال بی‌ربط به آن لحظه و موقعیت را مکرراً و موکداً می‌بینیم. مثلاً تصویر فیل بزرگ (اسکولاری) هنگام پخش سرود ملی پرتغال که سه ثانیه‌اش را چهار بار به هم می‌چسبانیم می‌شود ۱۲ ثانیه مفید. بازهم بگویید ما حساب سرمان نمی‌شود که به ثانیه‌های میلیونی آگهی‌های بازرگانی بی‌توجهیم! ای شیر مادرش حلالش الهی! که کارت زرد را به جان خرید و توپ را دیرتر به گردش درآورد همان که می‌داند بازی ۹۰ دقیقه‌ای اگر بشود ۹۵، تومانی هفت سنار فرق زیرنویسش است و پیرشده هر بار که به زمین گرم خورد جلدی بلند نشد و بی‌نمک نگفت که من حالم خوب است و چهار ستونم سالم! تا یادم نرفته همین‌جا عرض کنم که این ماجرای تدوین ایرانی در مسابقات فوتبال که هیچ ربطی به تعداد دوربین‌ها و مشخصات فنی و تکنیکی و کارگردانی تلویزیونی دیگران ندارد، با نظارت و بازبینی برای پخش مجدد یا تکرار همان تصاویری که یک‌بار در پخش زنده مسابقه دیده‌ایم تکمیل می‌شود. ساده‌تر اینکه ممیزی پخش زنده مسابقه با پخش نوار تامینی یا تکراری همان مسابقه تفاوت دارد. شاید در پخش زنده مسابقه، فوتبالیستی دلش خواست بعد از زدن مهمترین گل زندگی ورزشی و حرفه‌ای‌اش شکلک و اطواری درآورد یا ضعیفه‌ای در عمق تصویر ضربه سر فلانی نشسته باشد توی هوای گرم و از دست ما هم در رفته باشد دلیلی ندارد در تکرار یا خلاصه بازی حتی اگر آن صحنه یا ضربه سر که البته مهمتر از عمق تصویر به نظر می‌رسد سرنوشت‌ساز هم باشد دوباره دیده شود. خدا برکت دهد به تعداد دوربین‌ها و زوایای متنوع و فراوان کارگردان آلمانی که الهی نان و مزدش حلالش! القصه ماجرای پخش و نمایش فوتبال دیگران در آینه جهان‌نمای جمشید و الامان از ماجرای تیمداری و فوتبال بازی کردن خودمان.

دانشکده نان

نگاه طراح

جمال رحمتی

دانشکده نان تاسیس می‌شود

کیل بیل گیتس

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

آقای امیرشاهی خبر داد- و از اتفاق درست خبر داده - که دومین مرد ثروتمند جهان آقای «وارن بافت» مقدار ناقابلی از دارایی‌اش را معادل سی و پنج یا شش میلیارد دلار به اولین مرد پولدار جهان- جناب استاد بیل گیتس- داد تا در امور خیریه به خصوص در حوزه کشورهای فقیر و قحطی‌زده آفریقایی، خرج کند. واکنش رفقای معلوم‌الحال من در مجمع قلندران در این امور قابل تامل است. فتامل.

آقای کپورچالی: حرف بزنیم می‌گویند فلانی کوکلوس کلان شده. من نمی‌دانم این مردم پولدار، چه مرگشان می‌شود که به محض اینکه خوشی زیر دلشان می‌زند به سراغ این سیاه‌پوست‌ها می‌روند... بعد هم من نمی‌دانم مگر این سیاه‌پوست‌ها چقدر گرسنه‌اند که از آنجلینا جولی و برادپیت گرفته تا بیل گیتس و بافت، هرچقدر می‌ریزند توی شکمشان پر نمی‌شود.

آقای روشن‌ضمیر: از بس زاد و ولد دارند. به ازای هر ۵۰ کالری که غذا می‌خورند، سه تا بچه تحویل جامعه انسانی می‌دهند.

آقای مویدی: فی‌الواقع بفرمائید بابت هر یک عدد موز چیکیتا، یک مرحله زاد و ولد جلو می‌روند.

آقای امیرشاهی: عین بازی‌های کامپیوتری، هر بچه معادل چهار تا جان است که برای خودت سیو می‌کنی. جواد یحیوی اگر بود توضیح می‌داد، می‌فهمیدید منظورم چیست؟

آقای کپورچالی: بعد اینها بزرگ می‌شوند، می‌روند اروپا و آمریکا، موسیقی و هنر را به گند می‌کشند. از وقتی این سیاه‌پوستان همه‌کاره موسیقی پاپ شده‌اند، حالم از هر چی کلیپ و موسیقی است به هم می‌خورد. یک سری سیاه کلفت و ستبر، با لباس‌های شنبه یک‌شنبه می‌ایستند جلو دوربین و یک سری حرف مستهجن را که به صورت تصنیف درآورده‌اند، با صدایی شبیه بادگلو می‌خوانند، اسمش را هم می‌گذارند هنر.

آقای روشن‌ضمیر: اخیراً سفیدپوست‌ها هم دارند ادای سیاه‌ها را درمی‌آورند. از وقتی موسیقی پاپ این شکلی شده، من یا محمد اصفهانی گوش می‌دهم یا علیرضا افتخاری.

آقای مویدی: فوتبال را هم همین‌ها خراب کرده‌اند. اصلاً این خدو انداختن روی زمین چمن را همین‌ها رسم کردند که حالا علی دایی و زین‌الدین زیدان هم راه‌به‌راه خدو می‌اندازند. کم مانده رو به دوربین و به لنز اچ‌دی خدو بیندازند.

آقای کپورچالی: آن‌وقت در این شرایط این آقای فلانی به جای اینکه بیاید یک کمکی به ما بکند که کار فرهنگی کنیم، پولش را می‌دهد به این جماعت قحطی‌زده.

آقای امیرشاهی: پولش به جهنم. آنجلینا جولی و برادپیت هم می‌روند آنجا. علی‌الظاهر خاک حاصلخیزی دارد...

آقای کپورچالی: دلم سوخت. بیچاره‌ها نامه نوشته‌اند که روز تولد بچه پیت و جولی را تعطیل رسمی اعلام کنند...

آقای امیرشاهی: اسم بچه‌شان را گذاشته‌اند «پیت‌زا»

آقای کپورچالی: خیلی بی‌نمک است...

آقای روشن‌ضمیر: حالا چرا بچه سیاه‌پوست درآمده؟

آقای کپورچالی: سوءتفاهم نشود. مربوط به همان خاک حاصلخیز است که امیرشاهی گفت: آنجا بچه‌ها خودبه‌خود مثل فیلم نوردیده سیاه می‌شوند.

میرفتاح: کافی است آقا. بس است دیگر. باقی‌اش را یاغچی با آگهی پر می‌کند.

آقای امیرشاهی: چرا بیکار نشستی، مویدی جان. سیخ داغ است و قلندر بیکار.

mirfattah@Yahoo.com

خبرها

دو جایزه اصلی ترکیه برای کاریکاتوریست ایرانی

برای اولین بار در طول برگزاری مسابقه آیدین دوغان، دو جایزه اصلی این مسابقه نصیب محمدامین آقایی کاریکاتوریست نام‌آشنای اهوازی شد. مهمترین جایزه او در این دوره جایزه دوم به مبلغ ۵ هزار دلار است. وی پیش از این نیز جوایز بین‌المللی بسیاری را از آن خود کرده بود که مهمترین آنان جایزه جشنواره یومیوری ژاپن است.

نمایش «زیر پوست شهر» در دو هزار مدرسه فرانسوی

سازمان سینما و دانشجویان فرانسه فیلم سینمایی «زیر پوست شهر» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد را برای نمایش در بیش از دو هزار مدرسه این کشور انتخاب کرد. نمایش این فیلم از ماه سپتامبر (شهریور ماه) در سراسر مدارس کشور فرانسه اکران می‌شود. «زیر پوست شهر» چندی قبل در سینماهای فرانسه اکران گسترده‌ای داشت. به گزارش ایسنا هر ساله هیاتی متشکل از ۲۰۰ تا ۳۰۰ استاد دانشگاه سینما از این سازمان برای نمایش در دوره پیش‌دانشگاهی سه فیلم از سینمای جهان را انتخاب می‌کنند، که امسال قرعه به نام «زیر پوست شهر» از ایران افتاد. «زیر پوست شهر» که سال ۷۹ به نمایش عمومی در آمد، هفتمین فیلم رخشان بنی‌اعتماد از فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای ایران است. «زیر پوست شهر» به عنوان بهترین فیلم ۱۳۷۹ در رأی‌گیری منتقدان و نویسندگان مطبوعات شناخته شد.

۲۲۰۱۴۰۱۰
شرق نیازمندیهای
انتخاب اول